

کاوشی

مشاوران توسعه کسب و کار

شرح حال هادی زارعی، دانش آموخته کار آفرین دانشکده کار آفرینی

enzarei@gmail.com,



بسیار خوبی داشت و هم اینکه ارتباط صنعت و دانشگاهها در این کشور فوق العاده است. پس از بررسی‌های زیاد چند تا از بهترین دانشگاه‌های این کشور را انتخاب کرده و با اساتید این دانشگاه‌ها از طریق ایمیل وارد مکاتبه شدم. پس از مدتی تلاش، یکی از اساتید این دانشگاه‌ها از درخواست من استقبال کرد. ولی خوب این تازه ابتدای راه بود. با توجه به اینکه آن موقع نوسانات ارزی خیلی زیاد بود حتماً باید بورسیه می‌شدم. خوبی کره جنوبی هم این بود که به خارجی‌ها خوب بورسیه می‌داد. به همین دلیل داشتم کم کم ادامه کارها را انجام می‌دادم که نتیجه قبولی‌ام در مقطع دکترای مدیریت تکنولوژی دانشگاه تهران اعلام شد و پس از مشورت با اعضای خانواده تصمیم گرفتم در ایران بمانم. به همین سادگی! البته ماندنم در ایران به نظرم خیلی هم بد نشد چون باعث شد در کنار درس، کسب و کارم را هم راه اندازی کنم و این به نظرم چیز کمی نیست!

در دوران تحصیل همواره شغل معلمی را دوست داشتم و همیشه از همان دوران کودکی تا دوران دانشگاهی به دنبال این بودم که روزی معلم و یا استاد دانشگاه شوم. به همین

من در یک خانواده مذهبی متولد شدم. در دوران تحصیل همیشه جزء بهترین‌های کلاس‌م بودم. البته به غیر از سال‌های اول و دوم راهنمایی! که میشه گفت واقعا خراب کردم. هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که ریاضی را ثلث اول افتادم ولی معلم با قول گرفتن از من بهم ۱۰ داد! با تغییر مدرسه دوباره روند خوب خودم را ادامه دادم و در مقطع دبیرستان از بهترین‌های کلاس‌م بودم. در کنکور بد عمل نکردم ولی چون می‌خواستم حتماً تهران و رشته مهندسی صنایع را انتخاب کنم مجبور شدم رشته مهندسی صنایع دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب را انتخاب کنم. برای مقطع ارشد تصمیم گرفتم از مهندسی فاصله بگیرم و کمی وارد دنیای مدیریتی‌ها بشوم. با اینکه هم رشته مدیریت صنعتی دانشگاه علامه و هم مدیریت کار آفرینی دانشگاه تهران را قبول می‌شدم تصمیم گرفتم کار آفرینی را انتخاب کنم. البته آن موقع خیلی‌ها بهم می‌گفتند که اشتباه کرده‌ام ولی من همین الان اگر باز هم زمان به عقب برگردد همین مسیر را انتخاب می‌کنم چون واقعاً تصمیم بی‌نظیری بود. در دانشکده کار آفرینی هم با اساتید بسیار خوبی آشنا شدم و هم دوستان بسیار خوبی پیدا کردم که هیچ وقت آنها را فراموش نخواهم کرد. برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا مانده بودم که ایران بمانم و یا اینکه به خارج بروم. با توجه به اینکه در مقطع ارشد همراه با دوستان و اساتید کارهای پژوهشی زیادی را انجام داده بودم مطمئن بودم می‌توانم به خارج بروم. در این راستا با افراد مختلفی مشورت کردم و در نهایت تصمیم گرفتم هر دو را با هم پیش ببرم. برای خارج از کشور پس از بررسی‌های زیاد کشور کره جنوبی را انتخاب کردم. چون هم دانشگاه‌های

دلیل از همان ابتدا هدفم را تحصیل تا مقطع دکتری گذاشتم. بد نیست در اینجا اشاره کنم که من از ۱۸ سالگی همیشه خاطرات روزانه‌ام را نوشته‌ام. در ابتدای این دفترچه مسیر زندگی‌ام را تا ۳۵ سالگی برای خودم نوشته بودم و تقریباً میشه گفت در همان مسیر قدم گذاشته‌ام.

قبل از تأسیس شرکت مشاوران کاوش، هنگامی که در دانشکده کار آفرینی بودم همراه با دو نفر از دوستان که یکی‌شان در دانشکده کار آفرینی مشغول به تحصیل بود ولی دوست دیگر در دانشگاه تربیت مدرس، اقدام به راه اندازی یک گروه آموزشی بنام گروه آموزشی مدرسان ارشد کردیم. کار این گروه آموزشی تدریس خصوصی در زمینه آزمون کارشناسی ارشد رشته‌های مدیریت بود. در این راستا ۲۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های برتر تهران را که اکثریت‌شان دارای رتبه‌های دو رقمی بودند را جمع کردیم و تیم قوی تشکیل دادیم. در مرحله بعد اقدام به تبلیغات در سایت‌های اینترنتی آموزشی و همچنین توزیع تراکت نمودیم. این کار تجربه بسیار خوبی برای من بود. ولی بد نیست که مشکل اصلی این کار را در اینجا توضیح دهم. همانطور که گفتم ما سه نفر بودیم که در ابتدا قرار بود کارها تقسیم شود ولی به مرور زمان اکثریت کارها به عهده من افتاد و این

ماندنم در ایران به نظرم خیلی هم بد نشد چون باعث شد در کنار درس، کسب و کارم را هم راه اندازی کنم و این به نظرم چیز کمی نیست!

مسئله فشار را بر روی من، که آن موقع دانشجوی هم بودم خیلی زیاد کرد و پس از حدود دو سال، بویژه هنگامی که درگیر پایان‌نامه خود شدم مجبور شدیم کار را کنار بگذاریم ولی باز هم تأکید می‌کنم که آن کار تجربیات بسیار آموزنده‌ای برای من داشت. از چگونگی رفتار با مشتریان ناراضی گرفته تا هماهنگی برای ارسال اساتید برای متقاضیان و ...



مشاوران توسعه کسب و کار

هنگامی که در رشته کارآفرینی قبول شدم تصمیم گرفتم که تنها نگاه تئوری به این رشته نداشته باشم. خوشبختانه در این دانشکده علاوه بر مباحث تئوری، مباحث کاربردی نیز در کلاس‌ها مطرح می‌شد که خیلی در شکل‌گیری اراده تأسیس یک شرکت در من موثر بود. من از زمان راه‌اندازی شرکت مشاوران کاوش، تلاشم را کرده‌ام که از مطالبی که در دانشکده کارآفرینی آموختم نهایت استفاده را ببرم.

مهم‌ترین انگیزه‌ها برای تأسیس شرکت مشاوران کاوش را اگر بخواهم صادقانه بگویم حس مدیر بودن آن است.

هیچ وقت دوست نداشته‌ام کسی به عنوان مدیر من باشد. من همیشه دوست داشتم مدیر باشم درست مثل شخصی همچون استیو جابز. به نظرم عامل اصلی اکثریت کارآفرینی‌ها همین عامل بوده است: تمایل و توان مدیریت و رهبری. هر چند شاید اگر کارمندی چیزی می‌شدم و حقوق ثابت می‌گرفتم زندگی‌ام نه ریسکی داشت و نه استرسی. ولی به نظرم آدم‌های موفق، آدم‌هایی هستند که اهل ریسک اند...

بعد از تجربه راه‌اندازی گروه آموزشی مدرسان ارشد، هنگامیکه در مقطع دکتری قبول شدم تصمیم گرفتم که با توجه به تحصیلاتم یک شرکت مشاوره مدیریت راه‌اندازی کنم. در این راستا شرکت مشاوران کاوش را راه‌اندازی نمودم. این شرکت دارای ۲ دپارتمان می‌باشد. یکی دپارتمان آموزش که مجری برگزاری دوره‌های تخصصی مدیریت و دپارتمان دیگر مشاوره می‌باشد. در این واحد مشاوره برندینگ، بازاریابی و فروش و تبلیغات و همچنین مشاوره صنعتی از جمله تدوین طرح توجیهی انجام می‌گیرد. این شرکت در

برای توسعه شرکت در اولین قدم تصمیم گرفته‌ام که چند نفر کارمند که در کار خود حرفه‌ای هستند را به جمع اعضای شرکت اضافه کنم چون بطور حتم برای توسعه شرکت نیاز به نیروی انسانی حرفه‌ای می‌باشد. همچنین باید تبلیغات را هم گسترش دهم در این راستا با توجه به تلاش‌هایی که در ماه‌های گذشته داشته‌ام مسیرهای ارتباطی با بازار هدف خیلی برایم شفاف‌تر شده است و باید از مسیرها و ابزارها به خوبی بهره بگیرم.

در مورد لوگوی شرکت هم خیلی بررسی کردم و لوگوهای ۱۰۰ شرکت اول جهانی را بررسی کردم و پس از مشورت با کارشناسان و متخصصان این حوزه این لوگو را انتخاب کردم. ویژگی‌های اصلی برای یک لوگوی خوب عبارتند از:

سادگی

ماندگاری در ذهن

قدیمی نشدن به مرور زمان

مرتبط بودن

که من همه این‌ها را در لوگوی شرکت مشاوران کاوش لحاظ کردم. خلاصه آرزوی مدیر کارآفرین بودن باعث شده تا از همین ابتدای کار در طراحی لوگوی شرکت، فن بازاریابی، سازماندهی نیروی انسانی و... به اصول برندینگ هم توجه بسیار زیادی کنم.

خوب یادم هست کلمه‌ای که برای اولین در سمینار امور دانشجویی و فرهنگی دانشکده کارآفرینی با آن آشنا شدم و حسابی شیفته آن شدم همین کلمه "برند" بود!

انشاء... روزی برسد که شرکت ما هم به یک برند در حوزه مشاوره و توسعه کسب و کار تبدیل شود. ...

فروردین گذشته در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت رسید و بعد از آن به دنبال مکانی جهت استقرار شرکت گشتم که یک جای خوب در خیابان انقلاب پیدا کردم. شروع رسمی این کار تقریباً از خرداد گذشته آغاز گردید. ماه اول و دوم خیلی سخت گذشت چونکه به دنبال روش‌های بازاریابی و چگونگی رساندن پیام تأسیس شرکت مشاوران کاوش به بازار هدف بودم ولی خدا را شکر در ماه‌های بعد از آن و با اضافه شدن تعدادی کارمند مسیر توسعه شرکت روند خیلی خوبی پیدا کرد. چشم انداز بسیار خوبی در پیش روی شرکت می‌بینم و مطمئن هستم با توکل بر خدا و پشتکار زیاد می‌توانم شرکت را به جاهای خیلی خوبی برسانم.

مهم‌ترین فردی که در راه‌اندازی این کسب و کار از من حمایت کرد پدرم بود. با این‌که اکثریت اعضای خانواده‌مان کارمند دولتی هستند! فردی بخواهد در چنین فرهنگی مسیر دیگری را طی کند بطور حتم کار سختی دارد ولی خوشبختانه از همان روزی که ایده تأسیس این شرکت را با پدرم مطرح کردم هر کمکی که از دستش برآمده در حمایت از من انجام داده است.

هنگام راه‌اندازی کسب و کارم خیلی‌ها، معتقد بودند که اینجور کارها جواب نمی‌دهد و بازار کساد است و از این حرف‌ها. متأسفانه بعضی‌ها هم با حالت تمسخر با این قضیه برخورد می‌کردند که البته این نوع نگاه‌شان انگیزه من را بیشتر و بیشتر می‌کرد.